

پیامدهای اعتقاد به فمینیسم

زینب سبز علی^۱ زینب رضوی فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳ تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

چکیده

فمینیسم گستره‌ای از جنبش‌های ایدئولوژی در بعد سیاسی، اجتماعی است که به دنبال تعریف، برقراری و دستیابی حقوق زن، برابری جنسیتی و پایان بخشیدن به زن‌ستیزی، استثمار و ستم جنسی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی است؛ لذا جنبش‌های فمینیستی با شعارهای فریبنده خویش پیوسته در حال تلاش هستند تا برای دستیابی اهداف خویش مبارزه کنند؛ اما این اقدام به علت افراط و تفریط‌هایی که در نظریات جنبش‌های متعدد فمینیستی وجود دارد، دارای پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی است؛ لذا هدف از این نگارش پاسخ به سؤال «پیامدهای اعتقاد به فمینیسم چیست؟» به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد تا زنان جامعه به‌ویژه جوانان با آشنایی با این نتایج منفی گرایشی به این جنبش غربی نداشته باشند. دستاوردهای حاصل از این پژوهش شناخت آسیب‌های این جنبش در بعد فردی چون آسیب جنسی و روحی، آسیب‌های خانوادگی چون افزایش طلاق و ناسازگاری زوجین و والدین و فرزند و آسیب‌های اجتماعی چون کاهش امنیت و سلامت اجتماعی و مسائل سیاسی و اقتصادی است.

کلید واژه‌ها: اعتقاد، پیامد، فمینیست، فمینیسم.

۱. مدرسه علمیه محدثه عظیمی mohadeseh.boroojerd@gmail.com

۲. نویسنده مسئول طلبة سطح دو، مدرسه علمیه محدثه، شهرستان بروجرد.

مقدمه

فمینیسم نام آئینی است که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است، هر فردی چه زن و یا مرد باشد، اگر به قوانین زن ستیز و مردسالاری اعتراض داشته باشد و با آن مبارزه کند به او فمینیست گفته می‌شود. مدعیان این جنبش بر این باورند که مجموعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی که مفهوم زنانگی را تولید و تحکیم می‌کند، علت جنس دوم تلقی شدن زن است از این رو هدف نهایی مبارزه جنبش‌های فمینیستی احیای حقوق ازدست‌رفته زنان که ناشی از تبعیض جنسی و بی‌عدالتی در جوامع غربی است، می‌باشد. آنان مردان را در جایگاه مسلط دیده و ارتباط با آنان را انقیاد زنان تلقی می‌نمایند. از طرفی این حرکت گستره‌ای از جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و جنبش‌های ایدئولوژی است که به دنبال تعریف، برقراری و دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی است؛ لذا پیوسته در حال تلاش‌اند تا برای حقوق زنان مبارزه کنند اما این نبرد پیامدهایی در بعد فردی و خانوادگی و اجتماعی به همراه دارد.

این جنبش سعی دارد به ستم بر زنان به وسیله مردان، توسط ساختارهای سیاسی و حتی گاهی توسط خود زنان، پایان بخشیده شود. در این برهه از زندگی این جنبش فکری و اجتماعی، ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول ساخته است و بسیاری از دانشمندان مسلمان را در حوزه اندیشه، به چالش کشیده و موضع‌گیری‌های مثبت یا منفی را از سوی ایشان موجب شده است. از این رو ضرورت دارد برای رهایی از این چالش ذهنی دانشمندان، پیامدهای اعتقاد به فمینیسم مورد بررسی قرار گیرد.

پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه پیامدهای اعتقاد به فمینیسم نگاشته شده از جمله آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛ کتاب «فمینیسم» از نرگس رودبار (۱۳۹۴) که به تبیین تاریخچه و اقسام فمینیسم پرداخته و در نهایت بایان دیدگاه‌های گروه‌های مختلف این نظریه به نقاط ضعف و پیامد آن اشاره می‌کند، اما ضعف این اثر در آن است که تنها در بخش کوتاهی از نوشتار خود به تبیین پیامدها می‌پردازد. مقاله «پیامدهای فمینیسم در خانواده غربی» به قلم حسن یوسف زاده (۱۳۸۵) که به بررسی پیامدهای منفی فمینیسم در خانواده‌های غربی که نگاه مادی به زندگی دارند به روش

توصیفی-تحلیلی می‌پردازد؛ اما نقطه ضعف این پژوهش در آن است که به برشماری پیامدهای فردی و اجتماعی فمینیسم اشاره‌ای نمی‌کند. مقاله «بررسی کیفی تأثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی زنان شهر اصفهان)» به تحلیل حوریه ربانی اصفهانی و بهجت یزدخواستی (۱۳۹۴) که پیامدهای یکی از شاخه‌های فمینیستی را بر خانواده‌های اصفهانی به روش تحقیق میدانی موردبررسی قرار می‌دهد. ضعف این پژوهش در آن است که تنها یکی از شاخه‌های فمینیسم و تنها زنان شهر اصفهان را بررسی می‌کند. مقاله «نقد فمینیسم و پیامدهای آن» به نویسندگی مهدی غفاری نوین (۱۳۸۸) که به بررسی دیدگاه فمینیسم و پیامدهای فردی و اجتماعی آن می‌پردازد اما ضعف این پژوهش در آن است که پیامدهای خانوادگی را موردبررسی و تحلیل قرار نمی‌دهد. مقاله «آسیب‌شناسی پیامد اخلاقی فمینیسم در غرب و بازتاب آن در نهاد خانواده»، به تحریر مریم مهاجری (۱۳۹۰) که به پیامدهای اعتقاد به فمینیسم در بعد اخلاقی فرد می‌پردازد و پیامدهای جسمی آن را موردبررسی و تحلیل قرار نمی‌دهد. تمایز و برتری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین در آن است که به تمامی پیامدهای اعتقاد به فمینیسم در محور فردی در دو بعد جسم و روح، خانوادگی در دو بعد نقش همسری و نقش مادری و اجتماعی در بعدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با ساختاری نو می‌پردازد.

روش تحقیق در این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی صورت گرفته است که طی مطالعات و بررسی‌های متعدد کتاب‌ها مطالب فیش‌برداری و تنظیم گردیده است. همچنین برای تکمیل مطالب و تدوین آن‌ها از منابع اینترنتی نیز استفاده شده است. محورهای این پژوهش مفهوم شناسی فمینیسم، آشنایی با دیدگاه فمینیسم، پیامدهای فردی اعتقاد به فمینیسم، پیامدهای خانوادگی اعتقاد به فمینیسم و پیامدهای اجتماعی اعتقاد به فمینیسم است.

مفهوم شناسی

الف) مفهوم شناسی پیامد

پیامد^۱ در لغت به معنای عارضه، حادثه و در جای دیگر به معنای اثر، نتیجه، دست آورد، پی آمد، برآمد، حاصل^۲ است. در اصلاح نیز پیامد به همین معنای لغوی خود یعنی نتایج و حاصل یک عمل گفته می شود.

ب) مفهوم شناسی فمینیسم

فمینیسم^۳ واژه‌ای فرانسوی به معنای زنانه، زن آسا، مادینه و مؤنث است که در اصل از زبان فرانسه و نهایتاً مأخوذ از ریشه لاتین Femina است.^۴ و در لغت به معنای زن گرایی، جنبش زن گرایی، جنبش زنان، طرفداری از زنان هواخواهی زنان، زن نوازی، طرفداری از حقوق زنان است.^۵

در زبان انگلیسی فمینیسم در مطالعات سیاسی-اجتماعی در دو معنای نزدیک به هم؛ معنای اول به نظریه‌ای اطلاق می شود که معتقد است زنان باید به فرصت‌ها و امکانات مساوی با مردان در تمامی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست پیدا کنند و در معنای دوم به جنبش‌های اجتماعی‌ای اطلاق می شود که تلاش می کنند تا اعتقاد و باور فوق که در معنای نخست ذکر شد را نهادینه کنند، به کار می رود.^۶ همچنین فمینیست کسی است که معتقد باشد زنان به دلیل جنسیت خود، دچار تبعیض شده‌اند و خواست‌ها و نیازهای معینی دارند که نادیده گرفته شده و یا ارضا نگردیده است؛ لذا اگر این نیازها ارضا شود، تغییرات بنیادین در نظام سیاسی-اجتماعی و اقتصادی رخ می دهد.^۷

1. Consequence.

۲. علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا.

3. Feminism.

۴. عبدالرسول بیات، و دیگران، فرهنگ واژه‌ها؛ درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، ص ۴۲۳.

۵. ایان مک لین، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ص ۳۰۱.

۶. علی اصغر نصیری و عبدالله شمس، فمینیسم، ص ۱۹.

۷. علی اصغر نصیری و عبدالله شمس، فمینیسم، ص ۲۰.

فمینیسم و نگرش‌های آن

فمینیسم یا زن‌گرایی يك حرکت و جنبش فکری و اجتماعی است که در غرب متولد شد. اعتقاد فمینیست‌ها احساس برتری مردان مربوط به «نقش‌های جنسیتی» است و مفهوم جنسیت منشأ تبعیض علیه زنان می‌باشد، لذا درصدد تغییر هویت زن برآمدند تا با رشد عواملی چون آگاهی، ایجاد اعتماد به نفس و تشکیل هویت‌های موجود برای آنان، پارادایم اجتماعی را فراهم کنند که به زعم خویش، بستر مناسبی برای آزادی و برابری زنان با مردان در تمامی سطوح بود. ژنئوپرس از فیلسوفان و مورخان فرانسوی عصر حاضر در این زمینه نقل می‌کند که برابری، یک مسئله مرکزی در اندیشه فمینیستی است، این مسئله درواقع بیانگر ایده‌ها و آمال فمینیستی در نقد تسلط مردان و خواست یک تعادل پایاپای میان مردان و زنان است.^۱ سه موج از آغاز شکل‌گیری جنبش فمینیستی تاکنون مطرح شده است:

از اوایل قرن ۱۹ تا بعد از جنگ جهانی اول موج اول شکل گرفت که در این موج دستیابی زنان به حقوق مدنی و سیاسی برابر و برخورداری زنان از حق رأی، بیشترین توجه فمینیست‌ها بود؛ اما فمینیست‌ها در این موج در چگونگی اصلاح و برطرف کردن گرفتاری‌های زنان با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.^۲

فمینیست‌ها در موج دوم گرایش تندتری نسبت به موج اول داشتند از این‌رو نظریه‌پردازان فمینیستی خواستار برابری کامل زن و مرد در تمامی حوزه‌های اجتماعی، روانی و فرهنگی در این موج بودند. جداسازی روابط جنسی از تولیدمثل، آزادی کامل زنان در امور جنسی، کاهش ازدواج و زاد و ولد و تصاحب پست‌های سیاسی و اقتصادی بالا، از اهداف اصلی این موج بوده است.

از اوایل دهه ۹۰ میلادی عصر نزول و افول حرکت‌های تند فمینیستی آغاز شد که کاستی‌ها و زیاده‌روی‌های مربوط به جنبش‌های فمینیستی شناسایی شده و به خانواده، بیش از دهه‌های گذشته اهمیت داده شد از این‌رو سبب تشکیل موج سوم شد.^۳

۱. فرزانه دوانی، زنان در چالش با سنت‌گزینی تحقیقی پیرامون حقوق اجتماعی زن در ایران، ص ۵۹.

۲. ریک ویلفورد، فمینیسم مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۱۲.

۳. ریک ویلفورد، فمینیسم مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۱۳.

همچنین در بین فمینیست‌ها نگرش‌های متعددی وجود دارد^۱ که برترین و پرطرفدارترین آن‌ها عبارتند از:

جریان لیبرال فمینیسم: اولین فمینیست‌ها متأثر از فردگرایی لیبرالی بودند که نقش جنسیت را به کلی و به نحو متعصبانه و علیرغم علوم بهزیستی و تجربی منکر شدند و بر این باور بودند که سرشت زنانه و مردانه کاملاً یکسان است.

مارکسیست‌های فمینیسم: این نگرش زن را وابسته و تابع در جامعه سرمایه‌داری می‌داند که گونه‌ای از ستم بر زنان قلمداد می‌شود. به باور این عده محکومیت جنس مؤنث، اندیشه‌ای است که سرمایه‌داری از آن حمایت می‌کند لذا با انقلابی فرهنگی و تغییر شکل اقتصادی این ناهنجاری اجتماعی و ریشه‌های سرمایه‌داری را به عنوان خاستگاه ستم قطع کرد.

رادیکال فمینیست‌ها: علت تابعیت زنان در این نوع نگرش مردان هستند. بدین معنا که به جهت کنترل ناتوانی‌های جنسی و زایشی زنان، مردان بر آن‌ها اعمال سلطه می‌کنند و زنان هیچ راهی جز کنترل و دست‌کاری طبیعت خویش در برابر این سلطه ندارند.

سوسیال فمینیست‌ها: در این دیدگاه فمینیستی سلطه مردان را بخشی از اقتصاد جامعه می‌دانند، مسائلی مانند بارداری و زایمان شکلی از اقتصاد جامعه است که برای رفع سلطه مردان بایستی شکل اقتصاد را تغییر داد.

فمینیسم پست‌مدرن: در این دیدگاه فمینیست‌ها معتقدند که زن نیازمند وابسته خانواده، همسر و فرزند است، نه نقش ازدواج و نقش مادری، بلکه نوع روابطی که از بدو تولد میان دختر و پسر، تفاوت و جدایی ایجاد می‌کند، موجب سلطه بر زنان شده است و معتقدند حقوق زن و مرد در خانواده و محیط اجتماعی باید متشابه صد در صد شود.^۲

اختلال در این هویت زنانگی، مسئله‌ای است که نهضت فمینیسم به ارمغان آورده است؛ هویت زنانه، تصویر و احساسی است که زن از زن بودن خود دارد و انتظاراتی

۱. جک آلیون، چهار تلقی از فمینیسم، ص ۲۱.

۲. نفیسه زروندی، «نقدی بر دیدگاه‌های فمینیستی و تبیین پیامدهای آن»، فصلنامه مطالعات فرهنگی-دفاعی زنان، شماره ۴، ص ۸۵.

است که به عنوان زن برای خود تعریف می‌کند.^۱ تلاش فمینیست‌ها برای ارائه تعریفی جدید از هویت زنانه؛ تفکیک جنس^۲ (تفاوت‌های زیستی و بیولوژیکی) از جنسیت (تفاوت‌های دو جنس در رفتارها، عملکردها، توانایی‌ها، صفات و نقش‌ها) و غیر اصیل و ساختگی معرفی کردن جنسیت زنانه، مهم‌ترین قدم فمینیست‌ها جهت انکار هویت جنسی بوده است^۳ که سبب انتقاد زیادی از این نهضت شده است؛ چراکه پیامدها و آثاری بر هر دو جنس در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی در پی خواهد داشت که به برشماری آن پرداخته می‌شود.

پیامدهای اعتقاد به فمینیسم

اعتقاد داشتن به این نظریه و جنبش اجتماعی دارای پیامدهایی در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در این قسمت پژوهش به تبیین و توضیح درباره هر کدام از این پیامدها پرداخته می‌شود.

الف. پیامدهای فردی اعتقاد به فمینیسم

نظام فکری فمینیسم تأثیرات و پیامدهای نامطلوبی بر روی فرد چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روحی گذاشته است. فمینیسم بین زن و مرد فرقی قائل نیست، زن باید همپای مرد حرکت کند، حرکت کردن زن در راستای جنسی که هویتش با او متفاوت است، کار خسته‌کننده و متناقض با توان جسمانی اوست.^۴

یکی از مسائلی که این جنبش بدان اصرار می‌ورزد، آزادی جنسی و هم‌جنس‌گرایی زنان و تسری سیاست جدایی‌طلبی به عرصه خصوصی است. فمینیست‌ها معتقدند مردسالاری در تمام عرصه‌های زندگی از جمله عرصه خصوصی روابط زن و مرد حکم فرماست لذا زن باید در این عرصه از مردان فاصله بگیرند و به روابط هم‌جنس‌خواهانه تشویق شود.^۵ حال آنکه از تبعات ترویج هم‌جنس‌گرایی، به خطر افتادن سلامت جسمی و روانی و روابط اجتماعی افراد است؛ به‌طوری‌که ارگان‌های

۱. مگی هام؛ سارا گمبل، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: فیروزه مهاجر و دیگران، ص ۲۷۱.

۲. مگی هام؛ سارا گمبل، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: فیروزه مهاجر و دیگران، ص ۲۷۱.

۳. نرگس رودگر، فمینیسم، ص ۲۴۰.

۴. تونی گرنت، زن بودن، ترجمه: فروزان گنجی زاده، ص ۲۱.

۵. مگی هام؛ سارا گمبل، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: فیروزه مهاجر و دیگران، ص ۲۴۶.

پزشکی و بهداشتی بر تأثیر روابط هم جنس گرایی در ظهور برخی از بیماری های حاد و کشنده، مانند ایدز، افسردگی، بیماری های روانی و اعتیاد به الکل اذعان دارند. این استغراق در لذات مادی و تحریک اذهان عمومی به هم جنس گرایی، شخصیت انسانی زن را خدشه دار کرده و همچنین او را دچار نوعی سادیسم جنسی می کند که ناشی از نارضایتی و ارضای نیازهای جنسی است و به صورت رفتارهای خشونت آمیز بروز می کند.^۱

باور به فمینیسم باعث می شود زن نسبت به هویت و وظایف خویش دچار سردرگمی شود و خود بیگانگی و عدم تعادل شخصیتی در بعد روحی پیدا کند؛ به این دلیل که عدم سازگاری وظایف، نقش ها و مسئولیت ها با طبیعت و فطرت هر فردی، منجر به احساس عدم نشاط و رضایتمندی در آن می شود.^۲ همچنین انکار تفاوت ها و نفی هویت زنانه، باعث کاهش احساس ارزشمندی در زنان و افزایش حس خودکم بینی در آنان می شود؛ چراکه «از مهم ترین آثار پذیرش هویت و نقش های متمایز و به کارگیری صحیح توانمندی های زنانه احساس ارزشمندی است. آنگاه که زن احساس می کند خداوند، خود او و جامعه، از وی انتظاراتی خاص دارند و او می تواند در آن مسیر به خوبی ایفای نقش کند، هم از زن بودن خود احساس رضایت می کند و هم تدبیر خداوند نسبت به خود را- که در قالب اعطای توانمندی های خاص و آموزه ها و قوانین ویژه جلوه گر شده است؛ می ستاید».^۳

باکم اثر شدن نقش های زنانه و خروج زن از موضع اقتدار و کارآمدی ویژه، احساس ارزشمندی در زنان کم می شود؛ همچنین دور شدن از ابعاد زنانه، زنان را از قدرت های خاص و ویژه زنان و موقعیت های منحصر به فردی که داشته، محروم ساخته است.^۴ که این حس بی ارزشی و بی ثمر بودن را برای او به همراه دارد.

از طرفی تحقیقات روانشناسی نشان می دهد شخصیت زنان دارای چهار بعد می باشد؛ بعد اول احساسات سرشار و عواطف بی بدیل، بعد دوم صفت مادر گونه

۱. غزاله دولتی، بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی، کلامی و آثار عملی فمینیسم، ص ۱۵۵-۱۵۲.

۲. «بازخوانی هویت جنسی»، نشریه حواء، شماره ۱۴.

۳. بازخوانی هویت زنانه، بیانیه تحلیلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۲۸.

۴. نرگس رودگر، فمینیسم، ص ۲۴۱.

ازجمله احساس تعهد و مسئولیت از یکسو و وابستگی از سوی دیگر، بعد سوم شخصیت خواهان استقلال و خودکفایی و ابراز وجود و فزون خواهی است و بعد آخر آن جنبه‌ای از شخصیت است که همواره درصدد جلب توجه و مهر قلبی مرد می‌باشد.^۱ زن هنگامی روحیه سالمی دارد که در تمامی ابعاد شخصیتی‌اش رشد متعال داشته باشد؛ اما نگاه و الگودهی نامناسب فمینیسم برای زنان و نفی و تحقیر زنانگی سبب رشد تک‌بعدی استقلال، خودکفایی و دیکتاتوری شخصیت زنان و غفلت و ظلم به سایر ابعاد شخصیتی آنان شده است.

پیامدهای خانوادگی اعتقاد به فمینیسم

گزارش‌های جامعه‌شناسان غربی نشان می‌دهد که نظام خانواده در غرب دست‌خوش چالش و بحران است چراکه با افزایش نگاه فمینیستی شاهد افزایش آمار طلاق، افزایش خشونت در خانواده، بالا رفتن آمار کودکان نامشروع، به چالش کشیدن مفهوم مادری و گسترش هم‌جنس‌گرایی هستند.^۲

به بیان دیگر فمینیست بودن به معنای دور انداختن قسمت‌های خوب و زیبای زن بودن است.^۳ خوبی‌های زنانگی همچون نقش همسری و مادری که از راه‌های کمال زنانه محسوب می‌شود. در اندیشه فمینیستی زنان آزادی و پیشرفت خود را در تعارض با نقش‌های خصوصی همچون نقش مادری و همسری می‌دانند و به علت قدرت و ثروت گرایش به نقش‌های عمومی همچون اشتغال دارند و نسبت به پذیرش نقش مادری و همسری تمایل کمتری نشان می‌دهد که نتیجه این امر اختلافات زناشویی و تضعیف نقش مادری است.

گسترش روزافزون زنان در اشتغال و مشارکت انبوه آنان در کارهای درآمدزا سبب بالا رفتن قدرت چانه‌زنی اقتصادی آنان نسبت به مردان شده است و این امر باعث کاهش مشروعیت سلطه مردان در مقام نان‌آوران خانواده،^۴ عدم تمایل زنان به نقش‌های

۱. تونی گرت، زن بودن، ترجمه: فروزان گنجی زاده، ص ۶ و ۴۸.

۲. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه: حسن چاوشیان، ص ۲۱۴.

۳. سیلویا آن هیولت، معیشت محقر؛ فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه: معصومه محمدی و فرزانه دوستی، ص ۱۸۷.

۴. سیلویا آن هیولت، معیشت محقر؛ فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه: معصومه محمدی و فرزانه دوستی، ص ۱۷۶.

سازگار با جنسیتشان و انتظار داشتن از مردان جهت انجام مسئولیت‌های خانه‌داری و پرورش کودکان به‌اندازه زنان، زمینه را برای اختلافات خانوادگی فراهم می‌کند.^۱ فمینیسم از حق زن برای سقط جنین به‌عنوان حقوق فردی دفاع می‌کند. قانونی براین شرح تبیین می‌کند؛ «شوهر حق ندارد از همسر درخواست نماید قبل از اجرای سقط جنین، وی را از آن مطلع نماید. نه تنها زن موظف به کسب اجازه شوهر برای سقط جنین نیست، بلکه وظیفه‌ای هم برای مطلع کردن شوهر به جهت انجام آن ندارد».^۲

منتقدان، ازجمله پیامدهای این قانون را، ظلم علیه شوهران و کودکان و در نتیجه خانواده می‌دانند؛ چراکه این امر عملاً به معنای محروم کردن شوهر از سهم خود در خانواده و بازداشتن خانواده از دستیابی به جایگاه خود به‌عنوان یک واحد یکپارچه است. آنان همچنین بر این باور هستند: این قانون «با از میان بردن سهم شوهر در قبال کودکان، صرفاً حقی ساده را ضایع نکرده و به یک معنا، تمام حقوق و به عبارتی، جوهره اصلی کلیه حقوق شوهر در خانواده را نفی می‌کند»؛^۳ از سوی دیگر دفاع از حق سقط جنین به‌عنوان حق فردی زن، عملاً کودکان را به دارایی‌های فردی زن تبدیل می‌کند و مسئولیت خانوادگی و اجتماعی در قبال کودکان را تضعیف می‌نماید و از این جهت کاملاً با نگرش‌های منفعت‌طلبانه رایج در حوزه اقتصاد و تجارت، همسو می‌باشد.^۴

حق سقط جنین از حیث اجتماعی، تحت عنوان حق برخورداری از آزادی در زندگی خصوصی یادشده است. این نوع استدلال، زندگی مشترک را به زندگی خصوصی فردی و نه زندگی خصوصی زن و شوهر با خانواده تقلیل می‌دهد و باعث تجزیه خانواده از

۱. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه: حسن چاوشیان، ص ۲۱۵.

۲. الیزابت فاکس، «زنان و آینده خانواده: آزادی رفتار جنسی و تأثیر آن بر خانواده»، ترجمه: اصغر افتخاری و محمد تراهی، ص ۲۳۴.

۳. الیزابت فاکس، «زنان و آینده خانواده: آزادی رفتار جنسی و تأثیر آن بر خانواده»، ترجمه: اصغر افتخاری و محمد تراهی، ص ۲۳۵.

۴. الیزابت فاکس، «زنان و آینده خانواده: آزادی رفتار جنسی و تأثیر آن بر خانواده»، ترجمه: اصغر افتخاری و محمد تراهی، ص ۲۳۶.

یک واحد یکپارچه به یک مجموعه نامنظم با اعضایی شناخته شده می‌شود.^۱ از طرفی برای تغذیه روح کودک، پدر و مادر توأماً نقش دارند ولی در این زمینه نقش مادر بیشتر تغذیه عاطفی طفل است که عامل بزرگی برای سازندگی اوست. کودکی که از مهر مادری سرشار می‌گردد، از آن لذت می‌برد و روح ناآرامش آرام می‌گیرد. محرومیت از مهر مادری اگر دوام یابد موجبات اختلال و نابسامانی‌هایی را در کودک فراهم می‌آورد و حتی ممکن است کودک را به بیماری‌های عصبی دچار سازد.^۲ زنی که بر اساس نگاه فمینیستی به اشتغال و استقلال اقتصادی خویش توجه دارد، بعد شخصیتی خویش را که مرتبط با حس مادری و حس مسئولیت نسبت به آن است را کم‌ارزش می‌شمارد و فرزند خویش را از این نعمت محروم می‌سازد.

پیامدهای اجتماعی اعتقاد به فمینیسم

فمینیسم خواهان برابری نقش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قضایی زن بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی و فطری زن و مرد هستند. گاهی از فمینیسم به عنوان جریانی در جهت تأمین منافع سرمایه‌داری یاد می‌شود. انقلاب صنعتی و نظام سرمایه‌داری،^۳ تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف زندگی غرب به دنبال داشته‌اند که یکی از آن‌ها ورود زنان به بازار اشتغال است. اشتغال زنان و حضور گسترده آنان در فعالیت‌های اقتصادی، مسائل و موضوعات جدیدی برای زنان، خانواده و اجتماع مطرح ساخت و زمینه را برای فرهنگ‌ها و آداب و رسوم سنتی حاکم بر روابط زن و مرد در خانواده تنگ کرد. در شرایطی که زن همانند مرد از قدرت اقتصادی برخوردار بود آموزه‌های قدیمی مبنی بر اطاعت زن از مرد، به دلیل نقش نان‌آوری مرد، دیگر منطقی به نظر نمی‌رسید؛ همچنین با حضور زن در کار بیرون از خانه به همراه مرد، عدم شرکت مردان در کارهای خانه مانند گذشته قابل توجیه نبود.^۴ گویی با شرایط جدیدی که پس از انقلاب صنعتی بر زندگی‌ها حکم فرما شده بود،

۱. الیزابت فاکس، «زنان و آینده خانواده: آزادی رفتار جنسی و تأثیر آن بر خانواده»، ترجمه: اصغر افتخاری و محمد تراهی، ص ۲۳۴.

۲. علی قائمی، تربیت و بازسازی کودک، ص ۱۸۲.

۳. محمدرضا زیبایی نژاد، «ملاحظات»، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ص ۱۳۶.

۴. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه: حسن چاوشیان، ص ۲۱۷-۲۱۶.



آموزه‌های قدیمی حاکم بر خانواده‌های هسته‌ای پدرسالار، توان پاسخگویی به شرایط جدید را نداشت و نظام سرمایه‌داری برای حفظ حیات خود، نیاز به آموزه‌هایی داشت که بتواند با شرایط جدید همخوانی داشته باشد. در همین اثنا بود که فمینیسم، با زیر سؤال بردن نظم پیشین و تعریف حقوق و نقش‌های جدید برای زنان، گره از کار سرمایه‌داری گشود؛ به طوری که گرچه دستاوردهای فمینیسم گاه به ضرر زنان و گاه به ضرر مردان و گاه به ضرر هر دو تمام شده است، اما در هر حال اهداف و منافع نظام سرمایه‌داری را دنبال می‌کند.^۱

زنان نقش بسزایی در فرهنگ جوامع و انتقال آن به نسل بعد دارند، همسان‌سازی فرهنگی زنان جهان، قدم قابل توجهی برای همسان‌سازی جهانی و جهانی شدن به شمار می‌رود؛ از این رو امروزه آموزه‌های فمینیسم به عنوان الگوی زنان جهان، توسط مراکز قدرت و سیاست، تبلیغ و ترویج می‌شود.^۲ و همچنین جریانی در جهت منافع سیاستمداران است؛ بدین معنا برخلاف ظاهرش که جریانی در جهت منافع زنان قلمداد می‌شود، ابزاری سیاسی در جهت اغراض سیاسی سیاستمداران و دولتمردان و خصوصاً در جهت پیشبرد پروژه جهانی‌سازی است.^۳

نتیجه‌گیری

جنبش فکری و اجتماعی فمینیسم جنبشی برای پایان بخشیدن به زن‌ستیزی، استثمار و ستم جنسی است. در حقیقت این جنبش سعی دارد به ستم بر زنان به وسیله مردان، توسط ساختارهای سیاسی و حتی گاهی توسط خود زنان، پایان بخشد. در این برهه از زندگی این جنبش فکری و اجتماعی، ذهن افراد بسیاری را به خود مشغول ساخته است و بسیاری از افراد را در حوزه اندیشه، به چالش کشیده و موضع‌گیری‌های مثبت یا منفی را از سوی ایشان موجب شده است. از این رو ضرورت دارد برای رهایی از این چالش ذهنی اندیشمندان، به سؤال «پیامدهای اعتقاد به فمینیسم چیست؟» پاسخ داده شود. طرفداران فمینیسم پیوسته در تبلیغات خود فریاد حمایت از زنان

۱. نرگس رودگر، فمینیسم، ص ۲۳۷.

۲. ابراهیم شفیعی سروستانی، جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، ص ۱۱.

۳. نرگس رودگر، فمینیسم، ص ۲۳۷.

را سر می دهند درحالی که نظام فکری فمینیسم تأثیرات و پیامدهای نامطلوبی بر روی فرد در تمام ابعاد شخصیتی دارد و زن هنگامی روحیه سالمی دارد که در تمام ابعاد شخصیتی اش رشد متعالی داشته باشد. در بعد خانوادگی نیز، نگاه و الگودهی نامناسب فمینیسم برای زنان و نفی و تحقیر زنانگی سبب رشد تک بعدی استقلال زن بوده و غفلت و ظلم به سایر ابعاد شخصیتی آنان است در بعد اجتماعی نیز جریانی در جهت منافع سیاستمداران است؛ بدین معنا که برخلاف ظاهرش که جریانی در جهت منافع زنان قلمداد می شود، ابزاری سیاسی در جهت اغراض سیاسی سیاستمداران و دولتمردان و خصوصاً در جهت پیشبرد پروژه جهانی سازی است. به جرئت می توان گفت زنان در جایگاه خویش هیچ نقصی ندارند و تفاوت های طبیعی و فطری زن و مرد را باید پذیرفت و این تفاوت است که توازن را برقرار می کند و هرگونه بی توجهی به طبیعت زنان و قدرت های خاص و ویژه آنها و موقعیت های منحصر به فردی که دارند باعث محرومیت آنها می شود.



فهرست منابع

۱. آلیون، جک، چهار تلقی از فمینیسم، ترجمه: س. امیری، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۵.
۲. آن هیولت، سیلویا، معیشت محقر؛ فمینیسم در امریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه: معصومه محمدی و فرزانه دوستی، تهران؛ نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۳. بیات، عبدالرسول و دیگران، فرهنگ واژه‌ها؛ درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، قم؛ مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، بی‌جا، ۱۳۸۱.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، بی‌جا، ۱۳۷۱.
۵. دوانی، فرزانه، زنان در چالش با سنت‌گریزی تحقیقی پیرامون حقوق اجتماعی زن در ایران، تهران؛ نشر نخستین، بی‌جا، ۱۳۸۳.
۶. دولتی، غزاله، بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی، کلامی و آثار عملی فمینیسم، قم؛ نشر معارف، بی‌جا، ۱۳۸۸.
۷. رودگر، نرگس، فمینیسم، تهران؛ دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۸. زیبایی نژاد، محمدرضا، «ملاحظات»، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، قم؛ دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، بی‌جا، ۱۳۸۲.
۹. شفیع‌ی سروستانی، ابراهیم، جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، قم؛ موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹.
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران؛ نشر سخن، بی‌جا، ۱۳۷۷.
۱۱. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودک، تهران؛ نشر امیری، چاپ نهم، ۱۳۷۴.
۱۲. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران؛ طرح نو، بی‌جا، ۱۳۸۰.
۱۳. گرنت، تونی، زن بودن، ترجمه: فروزان گنجی‌زاده، تهران؛ ورجاوند، بی‌جا، ۱۳۸۱.
۱۴. مک‌لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، تهران؛ نشر میزان، بی‌جا، ۱۳۸۱.
۱۵. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، بی‌جا، ۱۳۷۴.

۱۶. نصیری، علی اصغر؛ شمسی، عبدالله، فمینیسم، قم؛ زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۷. هام، مگی؛ گمبل، سارا، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: فیروزه مهاجر و دیگران، تهران؛ نشر توسعه، بی‌چا، ۱۳۸۲.
۱۸. وبلفورد، ریک، فمینیسم مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه: م. قائد، تهران: نشر مرکز، بی‌چا، ۱۳۷۵.

مقالات

۱. «بازخوانی هویت جنسی»، نشریه حوراء، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۱۴، ۱۳۸۴.
۲. «بازخوانی هویت زنانه»، بیانیه تحلیلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۴.
۳. زروندی، نفیسه، «نقدی بر دیدگاه‌های فمینیستی و تبیین پیامدهای آن»، فصلنامه مطالعات فرهنگی-دفاعی زنان، شماره ۴، ۱۳۸۶.
۴. فاکس، الیزابت، «زنان و آینده خانواده: آزادی رفتار جنسی و تأثیر آن بر خانواده»، ترجمه: اصغر افتخاری و محمد تراهی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۷، ۱۳۸۱.
۵. المَعافری، أبی محمّد عبدالملک بن هشام (ت ۲۱۳ هـ. ق). السيرة النبویة المعروف